موضوع: مراجعه 48 ، بررسی حدیث 36

حدیث 37 از مراجعه 48

موضوع بحث بررسی حدیث صدیقین ثلاثه بر امامت امیرالمومنین (ع) است. موضوع خاصی که در جلسه قبل درباره آن بحث شد پاسخ گویی به اشکالات ابومریم اعظمی بود از کتاب الحجج الدامغات که وی این کتاب را در نقد کتاب المراجعات نوشته است. سه اشکال وی درباره این حدیث نقل و نقد شد. اشکال اول این بود که حدیث با آیه شریفه 69 سوره نساء معارضه دارد زیرا در آنجا صدیقین عمومیت دارد و با اختصاص آن به سه نفر در حدیث منافات دارد. گفته شد این حدیث درباره غیر انبیا و نیز افرادی است که از ویژگی عصمت برخوردار هستند. اشکال دوم این بود که گفته بود حدیث از جهت سند اشکال دارد. گفته شد ضعف سند حدیث با متابعات و شواهد جبران می شود. اشکال سوم این بود که صدیقین منحصر در سه نفر شناخته شده در حالی که صدیقین در قرآن کاربردهای مختلفی دارد. این اشکال نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

اشکال چهارم

بر فرض پذیرش این حدیث، سزاوارترین فرد به اتصاف به این صفت ابوبکر است. در روایت آمده است: ابوبکر به همراه عمر و عثمان همراه پیامبر (ص) به کوه احد رفتند. در این حال کوه دچار لرزش شد. پیامبر (ص) به کوه فرمود: «اسکت احد فما علیک الا نبی و صدیق و شهیدان». این حدیث را صحیح بخاری در باب فضائل اصحاب نبی نقل کرده است.[[1]](#footnote-1) همچنین روایاتی هم داریم درباره صدیق نامیدن ابوبکر در مورد معراج پیامبر (ص) که مشهور و معروف است. از جمله ابودرداء از پیامبر (ص) نقل می کند که فرمود: در شب معراج دیدم که در عرش خداوند بر لوحی سبز با نوری سفید نوشته شده بود: «لااله الاالله، محمد رسول الله، ابوبکر الصدیق».[[2]](#footnote-2)

پاسخ

1. روایاتی که درباره وصف صدیق اکبر برای ابوبکر در جریان معارج نقل شده، دارای سندهای ضعیف است. در سند همین روایت ابودرداء، عمر بن اسماعیل است که ابن معین او را کذاب و دجال و خبیث دانسته و نسائی و دارالقطنی او را متروک الحدیث شمرده اند. به همین خاطر ابن جوزی هم حدیث را در الموضوعات آورده است. سایر روایت نیز در این باره ضعیف است.[[3]](#footnote-3)

2. این روایت در منابع شیعه نقل نشده است و شما با شرف الدین احتجاج می کنید و می خواهید علیه او استدلال کنید. اما حدیث صدیقین ثلاثه و «علی الصدیق الاکبر» در منابع فریقین آمده است. نمی توان در بحث بین المذهبی به روایاتی که تنها یک فرقه نقل کرده اند استدلال کرد. این دسته روایات فقط در میان همان فرقه قابل احتجاج است.

3. با توجه به این نکته که گفته شد صدیق در آیات و روایات دو کاربرد دارد: کاربرد عام و خاص. کاربرد خاص آن با ویژگی عصمت همراه است. اکنون می گوییم با توجه به معصوم نبودن ابوبکر، نمی تواند صدیق بودن وی را به معنای خاص دانست.

اشکال پنجم

می گوید در این روایت، صدیق فقط بر علی بن ابی طالب (ع) تطبیق شده است و از ائمه اهل بیت (ع) سخنی به میان نیامده است، در حالی که شرف الدین می گوید اهل بیت (ع) صدیقین هستند.

پاسخ

تطبیق این حدیث بر امیرالمومنین (ع) از باب بیان مصداق اکمل و اتم است. صدیق در این روایت به معنای خاص است و بر کسی دلالت می کند که از ویژگی عصمت برخوردار است و لذا بر کسان دیگری که از ویژگی عصمت برخوردار هستند را شامل می شود. احادیثی مانند ثقلین، سفینه و امان همه موید همین مطلب است.

اشکال ششم

می گوید امام شرف الدین بعد از نقل دو روایت در مورد صدیق بودن علی بن ابی طالب (ع) گفته است: «و الصحاح فی سبقه و کونه الصدیق الکبر و الفاروق الاعظم متواتره»: روایت صحیح درباره اینکه امیرالمومنین (ع) سابق در اسلام بوده و صدیق اکبر و فاروق اعظم است متواتر است. ابومریم می گوید: نه تعداد لازم برای تواتر در این احادیث است و نه روایت صحیحی در آنها وجود دارد.

پاسخ

مرحوم شرف الدین می گوید روایات صحیح در مورد سبقت و صدیق اکبر بودن امیرالمومنین (ع) متواتر است. و در این باره چهار دسته روایات بیان شده است: یک دسته در مورد سبقت امیرالمومنین (ع) در ایمان به پیامبر (ص)، یک دسته روایات صدیقین ثلاثه است. دسته سوم روایات که مربوط به صدیق اکبر و دسته چهارم در مورد آیه 69 سوره نساء است. وقتی مجموع این روایات در نظر گرفته شد بدست می آید که در میان آنها روایات صحیح وجود دارد و در مجعوع به حد تواتر می رسد.

حدیث 38 از مراجعه 48

انشاءالله در گفتار آینده به حدیث 38 از مراجعه 48 پرداخته می شود. در این روایت پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إن الأمة ستغدر بك بعدي، و أنت تعيش على ملتي و تقتل على سنتي، من أحبك أحبني، و من أبغضك أبغضني، و إن هذه ستخضب من هذا- يعني لحيته من رأسه-»: یا علی، امت به تو خیانت می کند و تو بر آیین من هستی و بر سنت من به شهادت می رسی. هر کس تو را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس به تو بغض بورزد به من بغض ورزیده است. بعد آن حضرت بیان کرد که محاسن مبارک امیرالمومنین(ع) به خونشان رنگین می شود.

مرحوم شرف الدین دو روایت دیگر را نیز نقل می کنند.

و عن علي أنه قال: «إن مما عهد إليّ النبي أن الأمة ستغدر بي بعده»

و عن ابن عباس قال: قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله و سلّم لعلي: «أما إنك ‏ستلقى بعدي جهدا، قال: في سلامة من ديني؟ قال: في سلامة من دينك‏»[[4]](#footnote-4)

انشاءالله ادامه بحث در گفتار بعدی بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. صحیح بخاری، ج2، ص 394- 395 [↑](#footnote-ref-1)
2. الموضوعات، ابن جوزی، ج1، ص 323 [↑](#footnote-ref-2)
3. ر.ک: دانشنامه کلام اسلامی، ج3، ص 467- 469 [↑](#footnote-ref-3)
4. المراجعات، علامه شرف الدین، ص 435- 436 [↑](#footnote-ref-4)